

یکشنبه، دسامبر 7، 2025

موضوع — خداوند تنها علت و خالق است

متن طلایی: استشنا 6 : 4

"بشنو، ای اسرائیل: خداوند، خدای ما، خداوند واحد است."

پاسخگو خواندن: زبور 62: 1، 2، 5-8، 11

- 1 به راستی جان من به خدا توکل می‌کند: نجات من از اوست.
- 2 او تنها صخره و نجات من است؛ او پناهگاه من است؛ من بسیار متزلزل نخواهم شد.
- 5 ای جان من، تنها به خدا توکل کن؛ زیرا امید من از اوست.
- 6 او تنها صخره و نجات من است؛ او پناهگاه من است؛ من متزلزل نخواهم شد.
- 7 نجات و جلال من در خداست؛ صخره قوت من و پناهگاه من در خداست.
- 8 همیشه به او توکل کنید؛ ای مردم، قلب خود را در حضور او خالی کنید: خدا پناهگاه ماست.
- 11 خدایک بار گفته است؛ من دوبار این را شنیده‌ام؛ که قدرت از آن خداست.

درس خطبه

این درس کتاب مقدس توسط کلیسای علوم مسیحی پلینفیلد، مستقل تهیه شده است. این متن از نقل‌های کتاب مقدس انشیلای مقدس جیمز جیمز و بخشهای مربوط به کتاب علوم مسیحی، علم و بهداشت با کتاب مقدس، توسط مری بیکر ادی تشکیل شده است.

کتاب مقدس

1. یوحنا 5: 44

⁴⁴ شما که طالب احترام از یکدیگر هستید و احترامی را که تنها از جانب خداست، نمی‌جوید، چگونه می‌توانید ایمان بیاورید؟

2. عبرانیون 11:6 (او که)

⁶ کسی که به سوی خدا می‌آید، باید ایمان داشته باشد که او هست و به کسانی که با جدیت در جستجوی او هستند، پاداش می‌دهد.

3. 2 پادشاهان 18: 1، 3، 5-7 (به:)، 9، 10 (به:)، 11 (به 1)، 13، 17 (به 1)، 19، 20، 28 (بشنو)، 29 (بگذار)، 30، 36، 37

¹ و در سال سوم سلطنت هوشع بن ایل، پادشاه اسرائیل، حزقیان بن آحاز، پادشاه یهودا، به سلطنت رسید.

³ و او آنچه را که در نظر خداوند درست بود، مانند هر آنچه پدرش داوود انجام داده بود، انجام داد.

⁵ او به خداوند خدای اسرائیل، توکل داشت؛ به طوری که پس از او، نه از همه پادشاهان یهودا و نه از کسانی که قبل از او بودند، کسی مانند او نبود.

⁶ زیرا او به خداوند چسبیده بود و از پیروی او منحرف نمی‌شد، بلکه فراین او را که خداوند به موسی امر فرموده بود، نگه می‌داشت.

⁷ و خداوند با او بود؛ و او به هر جایی که می‌رفت، کامیاب می‌شد.

⁹ و در سال چهارم سلطنت حزقیان، که هفتمین سال سلطنت هوشع بن ایل، پادشاه اسرائیل بود، شلمناسر، پادشاه آشور، به سامره حمله کرد و آن را محاصره نمود.

¹⁰ و در پایان سه سال آن را تصرف کردند:

- 11 و پادشاه آشور اسرائیل را به آشور به اسیری برد.
- 13 و در چهارم همین سال سلطنت حزقیا، سنخاریب، پادشاه آشور، به تمام شهرهای حصاردار یهو حمله کرد و آنها را تصرف نمود.
- 17 و پادشاه آشور، تارتان و ریساریس و ریشاقه را از لاکیش نزد حزقیا پادشاه با لشکری عظیم به او رسانید.
- 19 ریشاقه به ایشان گفت: به حزقیا بگوید: پادشاه بزرگ، پادشاه آشور چنین می گوید: این چه اعتمادی است که به آن اعتماد داری؟
- 20 تو می گویی (اما اینها سخنان یهوده ای هستند) که من برای جنگ تدبیر و قدرت دارم. اکنون به چه گیتی اعتماد داری که علیه من شورش می کنی؟
- 28 سخنان پادشاه بزرگ، پادشاه آشور را بشنوید:
- 29 حزقیا شما را فریب ندهد، زیرا او نمی تواند شما را از دست او رهایی دهد.
- 30 و حزقیا شما را به خداوند مطمئن نسازد و نگوید: خداوند ما را رهایی خواهد داد و این شهر به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد.
- 36 اما قوم خاموش ماندند و به او هیچ پاسخی ندادند، زیرا فرمان پادشاه این بود که به او پاسخ ندهید.
- 37 آنگاه الیاقیم پسر حلقیا که سرپرست خانه بود، و یسبنای کاتب، و یوآخ پسر آساف و قلیع نگار، با جامه های دریده نزد حزقیا آمدند و سخنان ریشاقی را به او گفتند.

4. 2 پادشاهان 19: 1، 2، 6، 7 (به:)، 14، 15، 19، 20، 32 (او) 34-

1 و چون حزقیا پادشاه این را شنید، جامه خود را چاک زد و پلاس پوشید و به خانه خداوند رفت.

- 2 و الیا قیم، سرپرست خانه، و شبنای کاتب و بزرگان کاهنان را که پلاس پوشیده بودند، نزد اشعیا نبی پسر آموص فرستاد.
- 6 و اشعیا به ایشان گفت: به آقای خود چنین بگوئید: خداوند چنین می گوید: از سخنانی که شنیده ای و بندگان پادشاه آشور مرا با آنها کفر گفته اند، مترس.
- 7 گشت، من بر او بلایی خواهم فرستاد و او خبری خواهد شنید و به سرزمین خود باز خواهد گشت.
- 14 و حزقیا بنام دست فرستادگان را گرفت و آن را خواند. و حزقیا به خانه خداوند رفت و آن را در حضور خداوند پهن کرد.
- 15 و حزقیا نزد خداوند دعا کرد و گفت: ای خداوند، خدای اسرائیل، که در میان کرویایان ساکن هستی، تو تنها خدای تمام ممالک زمین هستی؛ تو آسمان و زمین را آفریده ای.
- 19 پس اکنون، ای خداوند، خدای ما، از تو التماس می کنم که ما را از دست او نجات دهی تا تمام ممالک زمین بدانند که تو تنها خداوند هستی.
- 20 آنگاه اشعیا پسر آموص نزد حزقیا فرستاد و گفت: خداوند، خدای اسرائیل چنین می گوید: آنچه را که درباره تسخاریب، پادشاه آشور، نزد من دعا کردی، شنیدم.
- 32 او به این شهر داخل نخواهد شد و به آنجا تیر نخواهد انداخت و با سپر در مقابل آن نخواهد آمد و شکاری در برابر آن نخواهد انداخت.
- 33 خداوند می گوید: از راهی که آمده است، به همان نیز باز خواهد گشت و به این شهر داخل نخواهد شد.
- 34 زیرا من از این شهر دفاع خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد، به خاطر خودم و به خاطر بنده ام داوود.
5. یوحنا 17: 1 (به 3)، 3، (این)، 11 (مقدس)، 13، 17، 20، 21، 26 (که)
- 1 عیسی این سخنان را گفت و چشمان خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

3 این حیات جاودانی است که تو را خدای یگانه حقیقی و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای بشناسند.

11 الهی پدر مقدس، کسانی را که به من داده‌ای به نام خود حفظ کن تا یکی باشند، چنانکه ما هستیم.

13 و اکنون نزد تو می‌آیم؛ و این سخنان را در جهان می‌گویم تا شادی مرا در خود به کمال رسانند.

17 آنها را به راستی خود تقدیس کن: کلام تو راستی است.

20 من نه تنها برای اینها دعا می‌کنم، بلکه برای کسانی نیز که از طریق کلام آنها به من ایمان خواهند آورد.

21 تا همه آنها یکی باشند؛ چنانکه تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا آنها نیز در ما یکی باشند؛ تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.

26 ... تا آن محبتی که تو به من داشته‌ای، در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.

6. یهوداه 1: 25

25 از آن خدای یگانه و نجات‌دهنده‌ی ما، جلال و شکوه، و قدرت و توانایی باد، اکنون و تا ابد. آمین.

علم و بهداشت

1. 502: 27-29

اصل خلاق - زندگی، حقیقت و عشق - خداست.

2. 9: 17-24

آیا "خداوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام روح و تمام ذهن خود دوست داری؟" این دستور شامل چیزهای زیادی می شود، حتی تسلیم تمام احساسات، عواطف و پرستش های صرفاً مادی. این الذود و بی شخصیت است. این شامل اعلم زندگی می شود و فقط کنترل الهی روح را به رسمیت می شناسد، که در آن روح ارباب ماست و هس مادی و اراده انسانی جایی ندارند.

3. 167:17-19

برای داشتن یک خدا و بهره بردن از قدرت روح، باید خدا را به نهایت عشق ورزید.

4. 119:21-24

خدا خیر طبیعی است و تنها با ایده خیر نشان داده می شود؛ در حالی که شر باید غیر طبیعی تلقی شود، زیرا با ماهیت روح، یعنی خدا، در تضاد است.

5. 109:4-10

علم مسیحی به طور غیر قابل انکاری آشکار می کند که ذهن، همه چیز است، و تنها واقعیت ها، ذهن و ایده الهی هستند. با این حال، این واقعیت بزرگ تا زمانی که اصل الهی آن با شفای بیماران نشان داده نشود و بنابراین مطلق و الهی بودن آن ثابت نشود، توسط سواهد معقول پشتیبانی نمی شود. وقتی این اثبات دیده شود، نمی توان به نتیجه دیگری رسید.

6. 301:5-23

افراد کمی منظور علم مسیحی از کلمه انعکاس را درک می کنند. برای خودش، انسان فانی و مادی به نظر می رسد که جوهره است، اما حس جوهره او شامل حط می شود و بنابراین مادی و موقتی است.

از سوی دیگر، انسان معنوی و جاودانی واقعاً جوهری است و جوهر ابدی یل روح را که انسان هانی فانی به آن امید دارند، را منعکس می کند. او الهی را منعکس می کند که تنها موجود واقعی و ابدی را تشکیل می دهد. این انعکاس علم الهی آشکار می شود. نظر فانی متعالی می آید، زیرا جوهریت انسان معنوی فراتر از پیش فانی است و فقط از طریق علم الهی آشکار می شود.

از آنجا که خدا جوهر است و انسان تصویر و تشبیه الهی است، انسان باید فقط جوهر خیر، جوهر روح، را آرزو کند و در واقع آن را دارد، نه ماده. این باور که انسان جوهر یا ذهن دیگری دارد، معنوی نیست و فرمان اول را نقض می کند، "تو یک خدا، یک ذهن خواهی داشت".

این درس کتاب مقدس توسط کلیسای علوم مسیحی پلینفیلد، مستقل تهیه شده است. این متن از نقل های کتاب مقدس تشکیل شده است. همچنین و بخشهای مربوط به کتاب علوم مسیحی، علم و بهداشت با کتاب مقدس، توسط مری بیلر ادی تشکیل شده است.

7. 91:5-8

باید خود را از این باور که انسان از خدا جداست، رها کنیم و تنها از ائیل الهی، زندگی و عشق، اطاعت کنیم. این نقطه عزیمت بزرگ برای همه رشد معنوی حقیقی است.

8. 106:7-11

خداوند به انسان حقوق سلب نپذیری عطا کرده است که از جمله آنها می توان به خودگردانی، عقل و وجدان اشاره کرد. انسان تنها زمانی می تواند به درستی خودگردان باشد که به درستی هدایت شود و توسط خالق خود، حقیقت و عشق الهی، اداره شود.

9. 31:4 (ب)، 10-13

عیسی هیچ وابستگی به جسم را نمی پذیرفت.

او روح، یعنی خدا، را به عنوان تنها خالق و بنابراین پدر همه چیز می دانست.

او در صدر فهرست وظایف مسیحی، به پیرانش قدرت شفا بخش حقیقت و عشق را آموخت.

10. 166:15-17 صفحه بعد

ذهن خطاکار انسان به خودی خود ناهماهنگ است. از آن، بدن ناهماهنگ بد می آید. نادیده گرفتن خدا به عنوان چیزی که در بیماری فایده ای ندارد، ایستاده است. به جای اینکه در مواقع مشکلات جسمی او را کنار بذاریم و منتظر زمان قدرت با شیم تا او را تصدیق کنیم، باید یاد بگیریم که او می تواند در بیماری نیز مانند سلامتی همه کارها را برای ما انجام دهد.

فرد بیمار ناامید که از طریق بایبندی به فیزیولوژی و بهداشت نمی تواند سلامتی خود را بازابد، اغلب آنها را رها می کند و در نهایت و تنها به عنوان آخرین چاره، به خدا روی می آورد. اینها تفکر فرد بیمار به ذهن الهی کمتر از دارو، هوا و ورزش است، و گرنه ابتدا به ذهن متوسل می شد. اکثر سیستم های پزشکی معتقدند که موازنه قدرت با ماده است؛ اما وقتی ذهن سرانجام تسلط خود را بر گناه، بیماری و مرگ اعمال می کند، آنگاه انسان هماهنگ و جاودانه می شود.

آیا باید از خدای جسمانی التماس کنیم که بیمار را از اراده شخصی خود شفا دهد، یا باید اصل الهی بی نهایت را که شفا می دهد درک کنیم؟ اگر از ایمان کورکورانه فراتر نرویم، علم شفا حاصل

نمی‌گشود و وجود روح، به جای وجود جسم، درک نمی‌شود. ما زندگی را در علم الهی تنها زمانی درک می‌کنیم که فراتر از حس جسمانی زندگی کنیم و آن را اصلاح کنیم. پذیرش تناسب ادعاهای خیر یا شر توسط ما، هماهنگی وجود ما - سلامتی ما، طول عمر ما و شخصیت ما - را تعیین می‌کند.

ما نمی‌توانیم به دو ارباب خدمت کنیم و یا علم الهی را با حواس یادی درک کنیم. داروها و اگر بهد است نمی‌توانند با منو قییت جایگاه و قدرت منبع الهی همه سلامتی و کمال را عطف کنند. اگر خدا انسان را هم خوب و هم بد آفریده است، انسان باید همینطور باقی بماند. چه چیزی می‌تواند کار خدا را بهبود بخشد؟ باز هم، خطای در مقدمه باید در نتیجه ظاهر شود.

11. 13-21:264

همچنان که انسان‌های فانی دیدگاه‌های صحیح‌تری نسبت به خدا و انسان به دست می‌آورند، اشیاء بی‌شماری از خلقت که قبلاً نامرئی بودند، قابل مشاهده خواهند شد. وقتی دریابیم که زندگی روح است، هرگز در ماده نیست و از آن نیست، این درک به کمال خود گسترش می‌یابد و همه چیز را در خدا، خیر و بی‌نیاز از آگاهی دیگری می‌یابد.

روح و صورت‌بندی‌های آن تنها واقعیت‌های هستی هستند. ماده زیر میکروسکوپ روح ناپدید می‌شود.

12. 11:22-32 (به 2)

با می‌دانیم که میل به تقدس برای رسیدن به تقدس ضروری است؛ اما اگر پیش از هر چیز دیگری خواهان تقدس باشیم، همه چیز را برای آن فدا خواهیم کرد. ما باید مایل به انجام این کار باشیم تا بتوانیم با اطمینان در تنها راه عملی به سوی تقدس گام برداریم. دعا نمی‌تواند حقیقت تغییرطلبی را تغییر دهد، و دعا به تنهایی نمی‌تواند درک حقیقت را به ما بدهد؛ اما دعا، همراه با یک میل تغییرطلبی و پرشور برای داشتن و انجام ابراهه خدمت ما را به تمام حقیقت می‌رساند. چنین میلی نیاز چندانی به بیان آشکار ندارد. بهتر است در فکر و زندگی بیان شود.

13. 14-16:29

کسانی که در علوم مسیحی آموزش دیده‌اند به این درک باشکوه رسیده‌اند که خدا تنها نویسنده انسان است.

وظایف روزانه

این درس کتاب مقدس توسط کلیسای علوم مسیحی پلینفیلد تهیه شده است. این متن از نقل‌های کتاب مقدس است که با کتاب علوم مسیحی، علم و بهداشت با کتاب مقدس، توسط مری بیکر ادی تشکیل شده است.

توسط مری بیکر ادی

نماز روزانه

وظیفه هر عضو این کلیسا است که هر روز نماز بخواند: "پادشاهی تو آمده است" بگذارید سلطنت صداقت، زندگی و عشق الهی در بین تثبیت شود و همه گناهان من را از بین ببرد. و ممکن است کلام تو محبت‌های همه بشریت را غنی کند، و بر آنها حکومت کند!

کتابچه راهنمای کلیسا، ماده 8، بخش 4

قانونی برای انگیزه ها و اعمال

در علم، نه خصوصیت و نه وابستگی شخصی نباید انگیزه ها یا اعمال اعضای کلیسای مادر را تحریک کند. در علم، عشق الهی به تنهایی بر بشر حکومت می کند و یک دانشمند مسیحی امکانات شیرین عشق را، در سرزنش گناه، برادری واقعی، خیرخواهی و گذشتگی، منعکس می کند. اعضای این کلیسا باید روزانه تماشا کنند و دعا کنند تا از شر هر گونه شر، از پیشگویی، قضاوت، محکومیت، مشاوره، تأثیرگذاری یا تأثیرگذاری اشتباه خلاص شوند.

کتابچه راهنمای کلیسا، ماده 8، بخش 1

هشدار به وظیفه

این وظیفه هر عضو این کلیسا است که روزانه از خود در برابر پیشنهادات ذهنی تهاجمی دفاع کند و فراموش نشود و وظیفه خود را در قبال خدا، رهبر خود و بشر فراموش نکنند. با کارهای او قضاوت خواهد شد، - و توجیه یا محکوم خواهد شد.

کتابچه راهنمای کلیسا، ماده 8، بخش 6